

بررسی و تحلیل زمینه‌های ایران‌هراسی در عراق معاصر

قتیبه الحجام^۱

چکیده

پس از سرنگونی رژیم بعث و افزایش نفوذ و قدرت نرم ایران در عراق، آمریکا منافع منطقه‌ای خود را در خطر دید و برای مقابله با آن، راهبرد ایران‌هراسی را اتخاذ کرد. این طرح سازمان‌یافته با هدف ایجاد هراس از ایران و مهار قدرت نرم او در عراق به کار گرفته شد. در این تحقیق با روش تحلیل توصیفی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی، مهم‌ترین زمینه‌های مورد استفاده آمریکا برای شکل‌دهی افکار عمومی علیه ایران بررسی شده است. سؤال محوری این است که زمینه‌های ایران‌هراسی در عراق معاصر چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد اشغال عراق توسط آمریکا یک اشتباه محاسباتی بود که پیامد آن، تحقق نیافتن منافع آمریکا و تهدید جایگاه سیاسی این کشور در عراق شد. در نتیجه، آمریکا برای حفاظت از منافع خود راهبرد ایران‌هراسی را در پیش گرفت. مهم‌ترین زمینه‌های ایران‌هراسی عبارتند از: ناکارآمدی سیاستمداران متحد ایران که دست‌آویزی برای مخالفان جهت ارتباط آن با نفوذ ایران شد، و نیز استفاده آمریکا از سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان ابزاری برای مقابله با ایران و گفتمان اسلام سیاسی.

واژگان کلیدی:

ایران‌هراسی، زمینه‌های ایران‌هراسی، عراق معاصر، قدرت نرم ایران.

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ معاصر جهان اسلام، رایانامه: rezwannasery@gmail.com

مقدمه

ساختار سیاسی عراق پس از حمله آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی کاملاً دگرگون شد و عراق وارد مرحله‌ای کاملاً جدید گردید. این تغییر نه تنها برای ایران بسیار اثرگذار بود، بلکه برای کل منطقه اهمیت ویژه‌ای داشت. حمله آمریکا به عراق با این بهانه صورت گرفت که عراق دارای سلاح‌های کشتار جمعی است و این موضوع تهدیدی جدی برای آمریکا و جهان به شمار می‌آید، اما در پشت پرده این حمله، دلایل سیاسی و اقتصادی برای آمریکا وجود داشت که در راستای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ بود (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۱۴۳). به تبع تغییر حاصل شده در حاکمیت عراق، روابط ایران و عراق کاملاً دگرگون شد. ساختار جدید تا حدودی نماینده همه مردم بود و در کنار این، بسیاری از گروه‌هایی که وارد دولت شدند با ایران ارتباط خوبی داشتند. لذا طبیعی است وقتی اکثریت مردم دو کشور از شیعیان تشکیل می‌شود و همچنین با توجه به اشتراکات فرهنگی زیاد بین ایران و عراق، نوع ارتباط احزاب و جریان‌های سیاسی که حاکمیت عراق را به دست گرفتند با جمهوری اسلامی در مقایسه با کشورهای عربی که در آن زمان اصلاً این حاکمیت جدید را به رسمیت نمی‌شناختند (الجزیره، ۲۰۱۵)، متفاوت خواهد بود.

این مسئله یعنی روابط ایران و عراق نوین باعث شده است که کسانی که به خاطر وضع جدید عراق متضرر شدند، همواره صدای اعتراض بلند کنند و ادعای دخالت ایران در امور عراق را سرلوحه کار خود قرار دهند. برخی از این افراد مخالف در داخل دولت جدید نیز حضور داشتند و مسئولیت‌های مهمی پیدا کردند، ولی درعین حال هم‌صدا با کشورهایی بودند که با قدرت‌گیری شیعیان مخالفت می‌کردند و همواره علیه آنچه دخالت ایران در عراق می‌نامیدند، معترض بودند. برخی از این افراد با تروریست‌های القاعده همکاری داشتند (فرانس ۲۴، ۲۰۱۲) و حتی برخی با داعش نیز در ارتباط بودند (خبرگزاری بی‌تا) و اتهاماتشان در دادگاه‌های عراق به اثبات رسید (arabic rt ۲۰۱۲).

در کنار این مسائل، خود کشور عراق برای ایران همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. دلیل آن علاوه بر همسایگی و مرز مشترک طولانی، روی کار آمدن دولتی بود که خواستار برقراری ارتباط مثبت با ایران بود. اما آن عراقی که در نظر برخی از کشورهای عربی خط مقدم آن کشورها در برابر «تهدید ایران» محسوب می‌شد، همچنان امکان بازگشت داشت. زیرا کشورهایی که از صدام پشتیبانی می‌کردند حاضر نیستند این واقعیت جدید را بپذیرند. آن‌ها حتی در اوج درگیری با صدام، حاضر بودند صدام را بر سر قدرت نگه دارند اگرچه کویت را اشغال کرده

بود، اما از به قدرت رسیدن شیعیان هراس داشتند. لذا در اوج خیزش سال ۱۹۹۱ به صدام در برابر شیعیان کمک کردند تا دولتش متلاشی نشود (قدس آنلاین، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، آمریکا باینکه خود دولت صدام را سرنگون کرده بود و عراق را اشغال کرد، اما با چالش جدیدی به نام نفوذ ایران در عراق مواجه بود. آمریکا که قصد داشت یک دولت دست‌نشانده در عراق مستقر کند و به‌طور کامل بر عراق چیره شود، اما به‌واسطه نفوذ نرم ایران از طریق تقویت جریان‌های شیعی عراق و همچنین حضور فعال مرجعیت نجف در زمینه‌سازی جهت برگزاری انتخابات در سال‌های نخست اشغال، نقشه آمریکا در این زمینه شکست خورد. این شکست باعث شد نفوذ ایران در عراق افزایش یابد و به‌تبع آن، آغاز مقابله آمریکا با قدرت نرم ایران در عراق کلید بخورد. مهم‌ترین راهبردی که در این‌باره اتخاذ شد، ایجاد هراس در بین ملت و دولت عراق از ایران بود تا بدین واسطه مهار قدرت نرم ایران محقق شود. آمریکا و غرب برای اجرای این راهبرد از زمینه‌های اختلاف‌برانگیز که اکثراً از پیش وجود داشت بهره بردند تا به‌واسطه تصویرسازی‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی، ابعاد سیاسی به این زمینه‌ها بدهند و اهداف مدنظر خود را تحقق بخشند.

در این تحقیق قصد داریم این زمینه‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم و ارتباط آن‌ها را با راهبرد ایران‌هراسی که آمریکا در عراق معاصر اتخاذ کرده است، برای مقابله با ایران تبیین کنیم. لذا سؤال اصلی تحقیق این خواهد بود که زمینه‌های ایران‌هراسی در عراق معاصر چه می‌باشد؟ موضوع مورد بررسی کاملاً جدید است و تاکنون از این جنبه به آن پرداخته نشده است، که این مسئله ضرورت پرداختن به این موضوع را افزایش می‌دهد. پرداختن به زمینه‌های ایران‌هراسی مقدمه‌ای است برای شناخت بهتر پروژه ایران‌هراسی و همچنین بدون شناخت این زمینه‌ها، مقابله درست با این راهبرد که درصدد ضربه به امنیت ملی جمهوری اسلامی و روابط بین‌الملت ایران و عراق است، میسر نخواهد بود. هدف از این تحقیق روشن‌سازی اجمالی زمینه‌های موجود و همچنین اشاره به مسئله ایران‌هراسی است تا مقدمه‌ای باشد برای توجه بیشتر به این بحث که نتایج کاربردی در عرصه سیاسی و اجتماعی دو کشور ایران و عراق دارد.

این موضوع در دو بخش بحث خواهد شد: بخش اول به مسئله ایران‌هراسی به‌طور اجمالی می‌پردازد و بخش دوم به بیان تفصیلی زمینه‌های ایران‌هراسی در عراق معاصر اختصاص خواهد یافت. روش جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق کتابخانه‌ای است که با توجه به نو بودن موضوع، کمتر از کتاب استفاده شد و بیشتر مقالات علمی یا سایت‌های خبری مورد استناد قرار گرفت. در

کنار این، از روش میدانی از طریق مصاحبه‌های غیررسمی با برخی از مردم عادی در عراق نیز استفاده شده است. لازم به ذکر است که روش پردازش اطلاعات تحقیق تحلیلی-توصیفی می‌باشد.

۲- مفاهیم

۲-۱- مسئله ایران‌هراسی

آمریکا و متحدانش راهبرد نرمی برای مقابله با صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی در جهان و منطقه اتخاذ کردند. این راهبرد بر مبنای ایجاد هراس نسبت به ایران در میان مردم آن کشورها و معرفی ایران به عنوان یک خطر وجودی استوار است. ایران‌هراسی به معنای ترس مفرط و غیرعقلانی از ایران و استقلال‌طلبی ایران از آمریکا به عنوان علت اصلی آن توصیف شده است (صادقی، ۱۳۹۸: ۳۸-۳۹). دلیل اینکه آمریکا متولی و طراح اصلی پروژه ایران‌هراسی در عراق است، در حالی که خود این کشور در ایجاد ساختار جدید در عراق مؤثر بود، این است که آمریکا یک اشتباه محاسباتی انجام داد و تلاش بر جبران آن اشتباه دارد. البته این به معنای نفی تهدیدهایی که برای جمهوری اسلامی پس از اشغال عراق به وجود آمده نیست. واضح است که حضور آمریکا در کشورهای منطقه بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت منطقه و مخصوصاً برای ایران به شمار می‌آید.

پیش از اشغال عراق، آمریکا با جوسازی گسترده در تلاش بود تا بهانه‌هایی برای اشغال عراق پیدا کند و پس از تبلیغات سیاسی فراوان، حمله نظامی خود را به عراق آغاز کرد. پس از پایان حمله، چیزی نگذشت که همه دروغ بودن ادعاهای آمریکا در مورد اسلحه کشتار جمعی و مسائل دیگر برای همگان ثابت شد (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱). مدتی قبل از اشغال عراق، ارتباط رژیم بعث با کشورهای همسایه بهبود یافت و رژیم در ضعیف‌ترین حالت خود به سر می‌برد و نه تنها تهدیدی برای جهان نبود، بلکه برای خود همسایه‌ها نیز تهدید جدی به شمار نمی‌رفت. همچنین آمریکا هیچ‌گاه نگران وضعیت مردم عراق نبود، چه برسد به اینکه بخواهد برای آن‌ها دموکراسی به وجود آورد. برخلاف ادعای آمریکا، تاریخ روابط رژیم بعث و آمریکا خلاف این را ثابت می‌کند، مانند کمک آمریکا به صدام برای سرکوب خیزش شعبانیه (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۵۴) یا کمک‌های اطلاعاتی آمریکا به صدام در دوران جنگ تحمیلی و حتی پیش از آن (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۵).

اشغال عراق همان‌طور که ذکر شد، جزئی از یک پروژه بزرگ‌تر یعنی خاورمیانه بزرگ بود. در واقع آن‌ها امیدوار بودند افراد سکولار را با یک فرآیند به‌ظاهر دموکراتیک بر سر کار آورند. ویژگی مدنظر آمریکا برای چنین شخصیت‌هایی این بود که لیبرال و طرفدار آمریکا و در عین حال در خدمت مصالح آمریکا در منطقه باشند. آمریکا مصالح دیگری در عراق داشت، به‌خصوص در حوزه انرژی. عراق دارای ذخایر نفت فراوانی است و اشغال عراق برای آمریکا دسترسی راحت‌تری به این ذخایر فراهم می‌کرد. نوام چامسکی در مصاحبه‌ای در مورد مرحله پس از اشغال عراق می‌گوید: «عراق برخلاف ویتنام دارای منابع ارزشمندی است. در عراق علاوه بر منابع فراوان کنونی نفت، ذخایر سرشار کشف‌نشده زیادی نیز وجود دارد که حتی ممکن است این کشور را به رتبه بالاترین دارنده ذخایر نفت یا رتبه‌های دوم و سوم برساند. اینک دستیابی به این کشور و منابع آن به سهولت قابل دسترس است و مطمئناً سودهای ناشی از این محصول به جیب شرکت‌های آمریکایی و سپس انگلیسی سرازیر خواهد شد. بدین ترتیب با کنترل این منابع، آمریکا در جایگاه بسیار قدرتمندتری و حتی بیش از وضعیت کنونی قرار گرفته و تأثیر بیشتری نیز بر سایر کشورهای دنیا خواهد داشت. من معتقدم که برنامه‌ریزان آگاه به‌خوبی از این امر اطلاع دارند که اشغال عراق چه مزایایی در پی خواهد داشت. لوزنس، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده (جیمی کارتر)، اخیراً اشاره نمود که پیروزی ما در جنگ عراق و کنترل این کشور می‌تواند حاکمیت اقتصادی ایالات متحده را در دو قاره آسیا و اروپا به ارمغان آورد» (چامسکی، ۱۳۸۵: ۹۱).

هدف دیگر آمریکا از اشغال عراق، مقابله با نفوذ ایران در منطقه بود. مسئولان آمریکایی در موارد متعددی بر مقابله با نفوذ ایران در منطقه و در عراق تأکید کرده‌اند. به نظر می‌رسد آمریکا به دنبال ارائه الگوی دموکراسی سکولار یا دموکراسی با رنگ و لعابی بود که جریان‌های اسلامی در عراق را راضی نگه دارد تا جلوی نفوذ اسلام سیاسی که در ایران مطرح است را بگیرد. لذا با وجود برگزاری انتخابات آزاد در عراق، در عمل فشارهای پشت‌پرده آمریکا بسیار آشکار است، به‌گونه‌ای که بسیاری از طرح‌های کلان دولت عراق بدون موافقت آمریکا اجراشدنی نیست. البته بر اثر هزینه‌های جانی و مالی که به نظامیان آمریکا توسط مقاومت اسلامی وارد شد، طولی نکشید که از عراق اخراج شدند، گرچه تلاش دارند نشان دهند این اخراج اختیاری بوده است (المیادین، ۲۰۲۰). به‌هرحال حضور نظامی آمریکا در عراق پس از توافقنامه امنیتی دولت اوپاما به‌صورت رسمی پایان یافت. به نظر می‌رسد آمریکا هرگز قصد نداشت عراق را بدون نیروی

نظامی رها کند و متمایل بود از آن به‌عنوان پایگاهی برای مقابله با ایران استفاده کند. در همین راستا، پل بریمر، رئیس حکومت انتقالی عراق در نخستین روزهای اشغال، در مورد این توافقنامه می‌گوید که او با عراق را دودستی تقدیم ایران کرد (independentarabia، ۲۰۱۹). البته پس از هجوم داعش که به اعتراف خود رئیس‌جمهور وقت آمریکا، ترامپ، داعش توسط او با تأسیس شده بود، دوباره آن‌ها به‌عنوان نیروهای جنگی - و نه صرفاً آموزشی - در عراق حضور رسمی پیدا کردند.

حال با توجه به این مطالب می‌توان دریافت که طرح مدنظر آمریکا برای عراق هرگز تحقق نیافت، زیرا این اشغال فرصت‌هایی در عراق برای جمهوری اسلامی ایجاد کرد که بیش از تهدیدها بود و همچنین به خاطر اشتباه‌های محاسباتی متعدد، نتوانستند عراق را به‌عنوان یک قلعه نظامی ضد ایران تبدیل کنند. آن‌ها با غفلت از مؤلفه‌های فرهنگی و دینی تصور می‌کردند که مردم عراق همیشه به آمریکایی‌ها به‌عنوان فاتح نگاه خواهند کرد و در عوض، آن‌ها بتوانند با امنیت کامل در این کشور به فعالیت اقتصادی و نظامی بپردازند.

البته آمریکا با استفاده از جنگ تبلیغاتی و گاهی از طریق فشارهای اقتصادی به دولت عراق توانست یک جنگ ترکیبی با محوریت ایران‌هراسی راه بیندازد تا نفوذ ایران را به هر شکل ممکن متوقف کند و به نظر می‌رسد تا حدی نیز موفق شد. اما هیچ‌گاه طرح غرب برای مهار همه‌جانبه ایران در عراق محقق نشد و همچنین نفوذ سخت و نرم ایران هرگز متوقف نگردید.

۲-۲- عراق معاصر

«معاصر» به معنای مدرن یا زنده و امروزی تعریف شده است (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۵). دولت مدرن عراق در سال ۱۹۲۲ تحت قیمومیت انگلیس تأسیس شد و در سال ۱۹۳۲ استقلال خود را به دست آورد (غفاری هشتجین و حیدرخانی، ۱۳۹۴: ۳۹). اما پس از ایجاد ساختار جدید عراق بعد از سال ۲۰۰۳، عراق وارد مرحله‌ای کاملاً متفاوت شده که در ادبیات سیاسی به «عراق نوین» اطلاق می‌شود. گرچه رژیم بعث در تبلیغات خود از حربه ایران‌هراسی استفاده می‌کرد، اما پروژه ایران‌هراسی که مورد بحث ما است با اهداف متفاوت توسط آمریکا و متحدانش دنبال می‌شود و نفوذ نرم ایران پس از سال ۲۰۰۳ یکی از دلایل عمده آن است. لذا مراد از عراق معاصر در این بحث، عراق پس از سال ۲۰۰۳ می‌باشد.

۳- زمینه‌های ایران‌هراسی در عراق معاصر

پس از آن که مسئله ایران‌هراسی در عراق معاصر تا حدودی روشن گردید، اکنون می‌خواهیم به مهم‌ترین زمینه‌های ایران‌هراسی در عراق معاصر بپردازیم. این زمینه‌ها به دلایل مختلفی پیش از حضور آمریکا در عراق و پس از آن وجود داشت که خود آمریکا در ایجاد یا تقویت برخی از این زمینه‌ها نقش مؤثری دارد. اما نکته مهم، استفاده سیاسی از این زمینه‌ها برای پروژه ایران‌هراسی در عراق معاصر است. آن‌ها توانستند با شیوه‌های متعددی - که خود بحث جداگانه‌ای می‌طلبد - این زمینه‌ها را در راستای اهداف سیاسی خود قرار دهند و در شکل‌دهی افکار عمومی علیه ایران و اسلام سیاسی از آن‌ها بهره ببرند. البته با توجه به محدودیت بحث، فقط به ذکر برخی از مهم‌ترین زمینه‌ها اکتفا خواهیم کرد.

۳-۱- عملکرد منفی سیاستمداران اسلام‌گرا و برخی از متحدان ایران در عراق

گرچه در ماده دو قانون اساسی عراق، دین اسلام به‌عنوان دین رسمی جمهوری عراق معرفی شده و تأکید گردیده که نباید قوانینی برخلاف شریعت اسلامی تصویب شود (البرلمان العراقی، بی‌تا)، اما در عمل کشور عراق دارای ساختاری کاملاً سکولار است و هیچ چارچوبی برای ضمانت اجرایی این بند که در قانون اساسی ذکر شده وجود ندارد. بلکه قوانین غیر اسلامی در عرض همین قانون به‌عنوان معیار معرفی شده‌اند. از سوی دیگر، احزاب و گروه‌هایی که پسوند اسلامی به یدک می‌کشند هرگز ادعایی نداشتند که برنامه‌ای خلاف ساختار دموکراسی غربی که در قانون اساسی درج شده است دنبال خواهند کرد و هیچ‌گاه صحبتی در مورد حکومت اسلامی یا مسائل مرتبط با آن نداشتند. با این وجود، این گروه‌ها همه به‌عنوان گروه‌های اسلامی شناخته می‌شوند و در نگاه عامه به‌عنوان نماینده اسلام سیاسی تلقی می‌گردند، گرچه در قالب یک حکومت سکولار مشغول حکمرانی هستند.

همچنین اکثر این گروه‌ها مدتی در جمهوری اسلامی ایران حضور داشتند و برخی نیز ظاهراً معتقد به انقلاب بودند، گرچه بعداً تغییر رویکرد دادند. این مسئله باعث شده است که این گروه‌ها علاوه بر این که نماینده اسلام سیاسی در عراق باشند، در نگاه عامه نماینده ایران نیز محسوب شوند. البته تبلیغات مخالفان ایران در تثبیت این نگاه بسیار مؤثر بود. حال اگر بخواهیم عملکرد این احزاب و گروه‌های سیاسی را بررسی کنیم، خواهیم دید که عملکردشان بدون تردید ستودنی نیست. دلیل آن هم هیچ ارتباطی به اسلامی بودن آن‌ها ندارد، بلکه دلیل عمده ناکارآمدی موجود در عراق، نوع ساختاری است که پس از سال ۲۰۰۳ در عراق ایجاد شد (احمد محمد، ۲۰۲۲: ۸۷).

یکی از نشانه‌هایی که مؤید این مطلب است، این است که گروه‌های دیگر که کاملاً سکولار هستند یا عملکرد بهتری ندارند یا عملکرد بدتری دارند. از سوی دیگر، خود مسئولان عالی‌رتبه عراق به ناکارآمد بودن این ساختار اقرار دارند (الجزیره، ۲۰۱۶).

اما به‌هرحال ناکارآمدی شدید این گروه‌ها باعث شده است که بسیاری از مردم عادی نسبت به ایران نگاه بدی داشته باشند. از طرفی، ارتباط دادن این ناکارآمدی از سوی مخالفان ایران به نفوذ و دخالت‌های ادعایی ایران در مسائل داخلی عراق، این تصور را بسیار تقویت کرد. لذا با توجه به این‌که این مسئله به‌طور مستقیم با افکار عمومی مردم عادی ارتباط دارد و همچنین جوسازی گسترده در این مورد، به نظر می‌رسد این زمینه مهم‌ترین زمینه ایران‌هراسی در عراق معاصر است. لازم به ذکر است که این عملکرد بد منحصر به گروه‌هایی که صرفاً از لحاظ سیاسی هم‌پیمان ایران هستند نمی‌شود، بلکه حتی برخی از افراد یا گروه‌ها که در فضاهای نظامی یا فرهنگی طرفدار ایران هستند و در دولت حضور ندارند، اما به خاطر عملکرد ناموفق آنان، تصویری منفی نسبت به سیاست ایران در عراق ایجاد می‌کنند، گرچه این گروه‌ها در فعالیت‌هایشان عملکرد کاملاً مستقلی دارند و از ایران دستور نمی‌گیرند.

البته سطحی‌نگری بسیاری از افراد جامعه در تحلیل مسائل سیاسی در پذیرش این ادعاها بی‌تأثیر نیست و در چنین فضایی، اثرگذاری تبلیغات رسانه‌های وابسته به کشورهای غربی یا کشورهای عربی مخالف ایران بسیار بیشتر خواهد بود. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف ایران آن‌قدر در این مسئله قوی عمل کردند که در نگاه طیفی از مردم، شخصیت‌هایی که با ایران ارتباط خوبی هم ندارند، جزو گروه‌های وابسته به ایران دسته‌بندی می‌شوند.

اتفاق مهمی که در این برهه زمانی رخ داد، این بود که ناکارآمدی این احزاب و گروه‌ها که برچسب اسلام‌گرا یا مرتبط با ایران به آن‌ها خورد – گرچه برخی از آن‌ها همفکر بیشتر آمریکا بودند تا ایران – باعث شد نگرانی آمریکاییان بابت مطرح شدن مسائلی چون صدور انقلاب و زنده شدن تفکر اسلام سیاسی در عراق تا حدود زیادی برطرف شود. علاوه بر این، به خاطر این جو تبلیغاتی، وضعیت سیاسی به‌گونه‌ای رقم خورد که هر کس بخواهد مسائل مرتبط با اسلام سیاسی را مطرح کند، در ذهن مردم یادآور ناکارآمدی همین گروه‌ها خواهد بود. همین مسئله باعث شد که دیدگاه‌های دینی سکولار تقویت شود.

البته این پرسش مطرح است که آیا سیاست ایران در تعامل با این احزاب می‌توانست

به‌گونه‌ای باشد که از این مسئله جلوگیری کند؟ پاسخ به این سؤال دشوار است، زیرا از یک سو کمک ایران به دولت عراق، به‌خصوص در دورانی که دولت عراق هنوز یک دولت نوپا بود، امری ضروری بود. همچنین وحدت و اقتدار عراق در راستای امنیت ملی ایران قرار داشت. لذا می‌بینیم که ایران در سال‌های نخست تلاش داشت احزاب شیعی را به هم نزدیک کند و از قدرت‌گیری جریان‌های سیاسی مخالف ایران و وابسته به غرب جلوگیری نماید (منتی و هادیان، ۱۳۹۸: ۱۴۵). همچنین وضعیت شیعیان به‌گونه‌ای بود که حرف‌شنوی آن‌ها از مرجعیت به‌اندازه لازم خوب نبود و این باعث احتیاط مرجعیت در ورود به برخی مسائل می‌شد. در چنین وضعیتی، افرادی مانند سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تلاش می‌کردند اختلافات گروه‌های متنازع را حل و فصل کرده و آن‌ها را به هم نزدیک کنند. این کار بسیار دشواری بود، زیرا باید همین گروه‌ها در یک لیست انتخاباتی قرار می‌گرفتند. نمونه آن ائتلاف عراق موحد معروف به لیست ۵۵۵ بود (زارعی، ۱۳۹۹) که این اتحاد در آن زمان برای آینده سیاسی شیعیان عراق حیاتی بود و بدون همکاری ایران با گروه‌های مختلف امکان‌پذیر نمی‌نمود.

ولی با این وجود، به نظر می‌رسد این امکان میسر بود که ارتباط ایران با برخی از این گروه‌ها به‌گونه‌ای دیگر باشد، یعنی در همان حال که ایران جریان‌های شیعی عراق و دولت عراق را تقویت می‌کرد، می‌توانست مانع ایجاد چنین تصویری نسبت به ایران به خاطر عملکرد این احزاب شود.

نقطه اوج ایران‌هراسی در تاریخ نوین عراق هنگام شروع اعتراضات سال ۲۰۱۹ بود. ریشه اصلی این اعتراضات، عملکرد ناموفق سیاستمداران عراقی بود و برخی از خواسته‌های معترضان نیز به‌جا بود. اما نفوذ سرویس‌های خارجی، تخریب گسترده و قربانیان زیاد این اعتراضات از هر دو طرف، این اعتراضات را کاملاً به اغتشاشات سازمان‌یافته تبدیل کرد. نقش آمریکا در پشتیبانی از معترضان کاملاً علنی بود و معترضان نیز آشکارا به دنبال براندازی بودند. شاید زمینه اصلی این سطح بالا از خواسته‌ها، قطع امید از اصلاح اوضاع کشور با این سازوکار موجود بود. اما نکته مهم، شعارهای ضد ایرانی معترضان بود (افشون و قلی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۷)، به‌گونه‌ای که همه مشکلات عراق را از آن ایران می‌دانستند. این اتفاق عمق مسئله ایران‌هراسی را در عراق بیان می‌کند و حجم گسترده کار تبلیغاتی مخالفان ایران و همچنین نیاز مبرم به بازنگری در رویکرد رسانه‌ای و فرهنگی جمهوری اسلامی در مسئله عراق را می‌رساند.

شبهه‌های رسانه‌ای مخالف ایران هنگام اغتشاشات ۲۰۱۹ به‌واسطه هدایت افکار عمومی

توانستند دو مقوله ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی را از جامعه سنی عراق به شیعیان عراق نیز تسری دهند، زیرا در این اعتراضات، مطالبات تظاهرکنندگان مربوط به مذهب یا ایدئولوژی خاصی نبود، بلکه اعتراض به عملکرد بسیار ضعیف مسئولان عراق در خدمات‌رسانی به مردم از یک سو و روابط تاریخی این مسئولان با ایران در زمان مبارزات علیه صدام از سوی دیگر، توانست دست‌آویزی برای هدف قرار دادن روابط ایران و عراق توسط طراحان این پروژه باشد.

نکته مهم این است که هدایت افکار عمومی به این سو کار دشواری نیست، به چند دلیل: نخست: ارتباط فکری این گروه‌ها با ایران از لحاظ ظاهری برای افکار عمومی یک امر قطعی تلقی می‌شود - حتی اگر خلاف واقع باشد - زیرا همه ظاهر و تبلیغات این گروه‌ها در رسانه‌ها، خیابان‌ها و مواضع سیاسیشان این را نشان می‌دهد که طرفدار ایران هستند. مثلاً کنار عکس برخی از رهبران این گروه‌ها، عکس رهبران جمهوری اسلامی دیده می‌شود (کارنیگی، ۲۰۱۹). دوم: ناکارآمدی برخی سیاستمداران مرتبط با نیروهای «الحشد الشعبی» که ورود برخی از آن‌ها به انتخابات پس از آزادسازی مناطق اشغال‌شده توسط داعش، باعث شد مخالفان راحت‌تر بتوانند این ناکارآمدی را به ایران نسبت دهند.

سوم: برای حل و فصل بسیاری از اختلافات میان سیاسیون در عراق، به‌خصوص هنگامی که مدت طولانی می‌گذرد و دولتی تشکیل نمی‌شود، ایران واسطه می‌شود و شخصیت‌های رسمی و غیررسمی در عراق حضور پررنگی پیدا می‌کنند. البته این حضور برای نزدیک کردن دیدگاه‌های برخی از سیاستمداران به یکدیگر جهت تشکیل دولت است. همین مسئله باعث می‌شود که برخی تصور کنند این ایران است که تصمیم می‌گیرد دولت تشکیل شود یا نشود و خودش باعث تأخیر در تشکیل دولت بوده، زیرا شروط خودش محقق نشده است. البته نقش رسانه‌های مخالف ایران در این تصویرسازی بسیار مهم است. اینجا حتی اگر شخصیت‌های عراقی که برخی با دیدگاه‌های ایران اختلاف جدی دارند، بگویند ایران هیچ‌گاه در این مسائل دخالت نکرده (سی‌ان‌ان عربی، ۲۰۱۷)، مورد پذیرش افکار عمومی قرار نمی‌گیرد، زیرا رسانه در دست مخالفان ایران است.

چهارم: دیدارهای متعدد میان این شخصیت‌ها - که برخی فساد اقتصادی یا مالی دارند - با مسئولان ایرانی، بهانه خوبی به دست رسانه‌های معاند می‌دهد برای جوسازی علیه ایران، گرچه روابط رسمی دو کشور اقتضا می‌کند این دیدارها محقق شود.

۳-۲- ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم عربی

تفکر پان‌عربیسم عمدتاً در میان اعراب سنی رواج دارد، اما امروزه در برخی جریان‌های شیعه نیز به‌طور پنهان و گاهی به‌طور علنی دیده می‌شود. جریان‌های ملی‌گرا در کشورهای عربی در طول تاریخ وجود داشته و دارند و با توجه به اثرپذیری عراق از جهان عرب، این گفتمان در عراق نیز علی‌القاعده باید دیده شود. می‌توان گفت که یکی از دلایل پررنگ بودن این مقوله در عراق، حکومت طولانی‌مدت حزب بعث در این کشور است. در گذشته نیز می‌بینیم باوجود این که اعراب سنی عراق در اقلیت هستند، اما با کمک استعمارگران انگلیس توانستند بر اکثریت حکومت کنند (تلاشان حسن، ۱۳۸۹: ۱۱۲). با توجه به ارتباط شدید میان مقوله ناسیونالیسم عربی و حزب بعث، تلاش‌هایی که در ترویج این مقوله صورت می‌گیرد در راستای احیای قدرت متحدان قدیمی غرب است که به دلایلی خطر کمتری برای آنان تشکیل می‌دهند.

عمده جریان‌هایی که مقوله ناسیونالیسم عربی را مطرح می‌کنند، از مخالفان ایران و مخالفان برقراری روابط دوستانه با ایران هستند. البته برخی از این جریان‌ها جزو جریان‌های شیعه بوده و عنوان اسلام‌گرا را نیز یدک می‌کشند. بعضی‌هایی که امروز در دولت عراق نفوذ دارند یا به‌طور مستقیم مشغول فعالیت سیاسی هستند، در تثبیت این مقوله در افکار عمومی نقش مؤثری دارند. البته آن‌ها تفکرات حزب بعث را به‌طور پنهان و در قالبی جدید مطرح می‌کنند. بسیاری از چهره‌هایی که طرفدار حزب بعث بودند، پس‌ازاین‌که پوشش حمایتی داعش را در غرب و شمال غرب عراق از دست دادند، خود را وابسته به جریان صدر معرفی کردند، زیرا جریان صدر از زمان شروع ارتباط گرفتن با عربستان و امارات، به‌یک‌باره به شعارهای ملی‌گرایانه روی آورد و خود آقای مقتدی صدر به‌عنوان یک شخصیت ملی‌گرا مطرح شد (آبشناس، ۲۰۲۲).

مقوله قوم‌گرایی پس از اعتراضات اکتبر سال ۲۰۱۹ بسیار تقویت شد، به‌گونه‌ای که برخی از گروه‌هایی که از طیف ملی‌گرا هم نیستند، بر شعارهای ملی‌گرایانه در تبلیغات انتخاباتی خود تأکید زیادی کردند تا برجسب وابستگی به ایران به آن‌ها زده نشود. از سوی دیگر، آمریکا از گروه‌هایی که ملی‌گرا هستند پشتیبانی می‌کند تا در برابر آنچه نفوذ ایران می‌دانند بایستند. آمریکا علاوه بر نفع بردن از تبلیغ ناسیونالیسم عربی، از این‌که این تبلیغ منجر به تقویت هم‌پیمانان خودش می‌شود، توانسته بهره دیگری نیز ببرد و آن افزایش مقبولیت رسانه‌های وابسته به خود در بین بخشی از افکار عمومی است.

۳-۳- سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات فرهنگی مرتبط با سفارت آمریکا

پس از ورود آمریکا به عراق، علاوه بر کنترل نظامی این کشور، طراحی فرهنگی برای دست گرفتن افکار عمومی نیز در دستور کار قرار گرفت. رسانه‌های تلویزیونی و رادیویی مرتبط با سفارت آن‌ها برای پیش بردن این هدف از همان لحظه نخست تدارک دیده شدند (زارعی، ۱۳۹۹). اما به نظر می‌رسد پس از توافق امنیتی عراق و آمریکا در سال ۲۰۰۸ و خروج آمریکا از عراق تحت فشار نیروهای مقاومت، این برنامه فرهنگی وارد مرحله جدیدی شد و بسیار تقویت گردید. نگاه مثبت به ایران در افکار عمومی عراق به خاطر کمک ایران به عراق در آزادسازی مناطق اشغال شده توسط داعش تقویت شد (ارنا، ۲۰۲۰). از سوی دیگر، کارشکنی آمریکا در اعطای تسلیحات لازم به عراق، این نگاه را تقویت کرد. همچنین کاهش نفوذ آمریکا پس از این اتفاقات، باعث فعالیت بیشتر دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی آنان برای مقابله با ایران گردید.

جوسازی آمریکا علیه ایران در آن مقطع بسیار موفق بوده است، زیرا می‌بینیم در اوج ارتباط مثبت بین ایران و عراق و نگاه مثبت افکار عمومی به ایران، تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ شروع شد که با رنگ ایران‌ستیزی همراه بود. البته دستگاه فرهنگی جمهوری اسلامی در آن مقطع (کمک به عراق در برابر داعش) نتوانست از پیروزی‌هایی که در میدان حاصل شده بود و چرخش مثبت افکار عمومی مردم عراق به ایران استفاده لازم را داشته باشد.

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با سفارت آمریکا در ایجاد زمینه جوسازی علیه ایران مهم بود. سازمان‌های مردم‌نهاد متعددی پس از اشغال عراق تشکیل شد که مشغول به فعالیت‌های خیریه و دریافت و تقسیم کمک‌های بین‌المللی بودند (پایگاه تخصصی تحلیل جامعه فرهنگ و ملل، ۱۴۰۰). اما نکته مهم، آشکار شدن نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیش بردن پروژه فرهنگی آمریکا در عراق و اثرگذاری آن‌ها به‌عنوان ابزاری فرهنگی به‌ویژه در میان قشر جوان بود. مهم‌ترین پیامد فعالیت‌های این سازمان‌ها، تغییر در باورهای یک ملت و به‌تبع آن، شکل‌گیری تصویری مثبت از نقش آمریکا و تصویری منفی از جریان‌های ضدآمریکایی در عراق است (عباس و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۵).

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ نقشی آشکار بود و این سازمان‌ها به‌عنوان پشتوانه‌ای برای رهبری اعتراضات و شعله‌ور کردن آتش اغتشاشات فعالیت می‌کردند. لذا می‌بینیم که برخی از افرادی که در آن سازمان‌ها فعال بودند، از عناصر اصلی شبکه مدیریت و هماهنگی آن اعتراضات بودند (تحولات جهان اسلام، ۱۳۹۸) و علاوه بر مدیریت میدانی، منابع

مالی لازم برای کمک‌های لجستیک به تظاهرکنندگان را نیز فراهم می‌کردند. این سازمان‌ها توانستند خشم مردم و افکار عمومی نسبت به ناکارآمدی ساختار سیاسی عراق را به سوی ایران هدایت کنند، زیرا همان‌طور که پیشتر اشاره شد، یکی از زمینه‌های مهم ایران‌هراسی ناکارآمدی سیاسیون مرتبط با ایران است.

آیلپ (IYLEP) با نام رسمی برنامه تبادل رهبران جوانان عراقی، نمونه‌ای بارز از این سازمان‌ها است. این سازمان توسط سفارت ایالات متحده در بغداد و وزارت امور خارجه ایالات متحده، دفتر امور آموزشی و فرهنگی، بخش برنامه‌های جوانان، حمایت و تأمین مالی می‌شود. این سازمان در صفحه رسمی خود می‌نویسد: برنامه‌های دبیرستان و دوره کارشناسی IYLEP با هم، فرصت‌های رهبری و آموزشی ارزشمندی را برای بیش از ۳۰۰۰ دانش‌آموز از زمان ایجاد آن در سال ۲۰۰۷ فراهم کرده است. این برنامه‌ها با سرمایه‌گذاری در درک و صلح جهانی، کادری از رهبران آینده عراق را ایجاد کرده است، جوانانی که دیگران را الهام‌بخش و تحت تأثیر قرار خواهند داد (IYLEP, 2024). نکته قابل توجه این است که فعالیت‌های این مؤسسه کاملاً چهره رسمی دارد و با بهترین دانشگاه‌های عراق مانند دانشگاه بغداد تعامل فرهنگی دارد (University of Baghdad, 2019). بلکه برخی از ناظران این برنامه را جزئی از توافقنامه راهبردی بین عراق و آمریکا می‌دانند، زیرا در بند چهارم آن آمده است: «تشویق تبادل فرهنگی و اجتماعی و تسهیل فعالیت‌های فرهنگی مانند برنامه‌های تبادل شهروندی، بازدیدها، برنامه تبادل و مطالعه جوانان و برنامه بین‌المللی برای ایجاد ارتباطات و تبادل (GCE) و برنامه آموزش و یادگیری زبان انگلیسی. سوم: ارتقای توسعه رهبران آینده در عراق از طریق برنامه‌های تبادل، آموزش و مشارکت، مانند برنامه فولبرایت و برنامه رهبری بین‌المللی بازدیدکنندگان (IVLP)، در زمینه‌هایی از جمله علوم، مهندسی، پزشکی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مدیریت دولتی؛ و برنامه‌ریزی استراتژیک» (tabnak, 2019).

۳-۴- مشکلات برخی از مسافران عراقی در ایران

ممکن است در وهله نخست، ارتباط میان مسافران عراقی و ایران‌هراسی در عراق عجیب به نظر برسد، اما با توجه به حجم بسیار زیاد مسافران عراقی که برای مقاصد مختلف وارد ایران می‌شوند، درک این مسئله چندان دشوار نخواهد بود. یکی از دلایل آن این است که وقتی برنامه‌ریزی دقیق برای مدیریت همه‌جانبه این حجم بالا از مسافران تدارک دیده نشود، مشکلات خودبه‌خود به وجود می‌آید و نیاز به دخالت هیچ عامل خارجی ندارد. همان‌طور که زائران ایرانی

هنگام زیارت عتبات در عراق با یک سری مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند، این مسئله برای زائران عراقی نیز اتفاق می‌افتد. اما تفاوت عمده میان زائران عراقی و ایرانی این است که زائران عراقی برای مقاصد غیر از زیارت نیز به ایران می‌آیند، مانند تحصیلات تکمیلی در دانشگاه، درمان، گردشگری و سرمایه‌گذاری. این مسئله باعث می‌شود زمینه‌های مشکلات عراقی‌هایی که به ایران مسافرت می‌کنند بسیار گسترده باشد. همچنین با توجه به این که این افراد با سیستم کاملاً متفاوتی از دستگاه‌های اداری که در عراق وجود دارد مواجه می‌شوند، مشکلات زیادی برای آن‌ها به وجود می‌آید که بسیاری از اوقات این مسئله باعث برداشت‌های اشتباه زیادی در مورد دولت و مردم ایران می‌شود. البته عمق این مسئله چندان زیاد نیست، ولی به خاطر حجم زیاد تردد عراقی‌ها به ایران، از این حیث که این افراد تجربه حضورشان در ایران را برای دیگران نیز منتقل می‌کنند، داشتن تجربه‌ای خوب در طول اقامتشان در ایران اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. می‌توان مشکلات مسافران عراقی در ایران را به تبع نوع هدفی که مسافر برای آن می‌آید به چند بخش تقسیم کرد. لازم به ذکر است که صحت بسیاری از این مشکلات به‌طور میدانی بررسی شده و از واقعیتی برخوردار است:

الف) زائران و گردشگران: تغییر قیمت‌ها، دلال‌ها، بدعه‌دی و بدقولی در خدمات‌دهی (ایسنا، ۱۴۰۰)، کلاه‌برداری، دزدی، تأخیرهای مکرر پروازها بدون پاسخگویی، مشکلات تأخیر در مرزهای زمینی و هوایی، دریافت خدمات گردشگری با نرخ بسیار بالاتر و کمبود نظارت بر واحدهای خدمات گردشگری از جمله مشکلات این قشر است، به‌گونه‌ای که به‌عنوان مثال به خاطر مشکلات حوزه حمل‌ونقل در مرز مهران، کمپین تحریم مسافرت از مرز مهران در شبکه‌های اجتماعی راه‌اندازی شده است (ایرنا، ۱۳۹۸).

ب) دانشجویان (به جز طلاب علوم دینی): طبق مصاحبه‌های متعدد با برخی از این دانشجویان، مشکلات آنان نسبت به دیگر اقشار بیشتر است که شامل: نبود فرآیند منظم در انجام کارهای پذیرش، کلاه‌برداری واسطه‌ها، مشکلات اقامت و تأخیرهای چندماهه جهت صدور ویزا، پرهزینه بودن اجاره اقامتگاه برای دانشجویانی که به مدت طولانی در صف انتظار انجام کارهای اداری هستند، تأخیر چندماهه یا گاهی چندساله در صدور مدرک، پذیرش بیش از حد دانشگاه‌ها بدون فراهم کردن امکانات و ...

ج) گردشگران سلامت: کلاه‌برداری برخی واسطه‌ها و مترجمان، وجود فساد مالی در برخی از

بیمارستان‌های خصوصی، رعایت نکردن نرخ‌های رسمی توسط بسیاری از پزشکان. (د) سرمایه‌گذاران: گرچه تعداد آنان زیاد نیست، اما مشکلات به قدری هست که می‌توان گفت سیاستی برای جذب سرمایه‌گذاران وجود ندارد. بلکه به خاطر روشن نبودن فرآیند سرمایه‌گذاری و یا آگاه نبودن کارمندان متصدی در اداره‌های مربوطه نسبت به انجام کار سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذار یا باید فقط با مشکلات جدی دست‌وپنجه نرم کند یا از سرمایه‌گذاری در ایران منصرف شود که حالت دوم بیشتر دیده شده است.

(ه) تاجران: به نظر می‌رسد مشکلات تاجران از همه اقشار دیگر کمتر است، زیرا به خاطر تردد بالاتر و درک مسائل موجود در ایران و همچنین این که اکثر این تجار به‌طور غیررسمی کار می‌کنند و مجوزهای اداری ویژه‌ای لازم ندارند، مشکلات کمتری دارند. البته در مورد تاجران در حوزه‌های صنعتی اطلاعات لازم کسب نشده است.

این مشکلاتی که ذکر شد، پیش از آن که توسط رسانه‌های خارجی تبلیغ شود، خود به تنهایی برای ایران‌هراسی کافی است. حال با توجه به فرهنگ حاکم در عراق که پیشتر به آن اشاره شد و ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با فضای مجازی، کافی است یک کلیپ در مورد اتفاقی منتشر شود که بتواند به‌عنوان خوراک رسانه‌ای تبدیل گردد. حال با در نظر گرفتن این که طراحان پروژه ایران‌هراسی از این مسائل برای مقاصد تبلیغاتی استفاده می‌کنند و همچنین با دروغ‌پردازی، شایعه‌سازی و از همه مهم‌تر بزرگ‌نمایی، کنترل این مسئله بسیار دشوار خواهد بود، زیرا دامنه وسیعی دارد و راهکارهایی که باید به این وسعت باشد، در بحث راهکارها به آن اشاره خواهد شد. مهم‌ترین شیوه‌های ایران‌هراسی که از این زمینه‌های ذکر شده استفاده می‌کنند، عبارتند از:

۱. ارجاع این مشکلات به تبعیض عمدی: یعنی اگر یک فرد خارجی دیگر در ایران بود، این اتفاق برای او نمی‌افتاد و این مشکلات برای ایرانی‌ها پیش نمی‌آید، بلکه فقط در برابر عراقی‌ها است. البته این روش همیشه به‌طور غیرمستقیم استفاده می‌شود. یعنی وقتی در کشوری مثلاً دزدی اتفاق می‌افتد، لزومی ندارد در خبرگزاری‌های رسمی پخش شود، اما خود پخش کردن آن اخبار (al, 2019v) این مفهوم را به‌طور ناخودآگاه منتقل می‌کند که ایرانی‌ها با عراقی‌ها مشکل دارند، زیرا این اخبار در مورد مسافرت عراقی‌ها به دیگر کشورها ذکر نمی‌شود.

۲. گفتن مشکلات به‌صورت یک‌طرفه: یعنی مشکلات زائران ایرانی در عراق هیچ‌گاه گفته نمی‌شود. به‌عنوان مثال، مشکلاتی در مرز زمینی در عراق نیز وجود دارد، کلاه‌برداری هم صورت می‌گیرد، ولی خبرگزاری‌ها به این مسئله نمی‌پردازند.

۳. شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی در مورد اتفاقاتی که اصلاً وجود خارجی ندارند، مانند قضیه تعرض به زائران عراقی در مرز شلمچه و بازتاب‌های گسترده آن (العالم فارسی، ۱۳۹۸) و شایع کردن توصیه سفارت عراق در تهران به سفر نکردن به ایران در پی افزایش قتل زائران عراقی (انتخاب، ۱۳۹۷).

۳-۵- آثار و پیامدهای جنگ تحمیلی

جنگ تحمیلی همان‌طور که به‌عنوان زمینه‌ای برای ایران‌هراسی در زمان رژیم بعث مطرح بود، در عراق معاصر نیز هنوز آثار خود را بر جای گذاشته و بی‌تأثیر نیست. عناصر اتحاد بین دو ملت ایران و عراق به خاطر ارتباطات تاریخی، مذهبی، فرهنگی و مجاورت جغرافیایی بسیار بیشتر از عناصر اختلاف است و احتمال تأثیرپذیری ملت عراق از انقلاب اسلامی بیش از هر ملت دیگری می‌باشد. این همان مسئله‌ای بود که رژیم بعث را وادار کرد بیشترین دشمنی را علیه ایران اتخاذ کند تا قدرت او در عراق به‌واسطه صدور این مفاهیم به ملت عراق متزلزل نشود. وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله همه این مسائل را تحت‌الشعاع قرار داد، درحالی‌که اگر به عمق بیشتری به این قضیه نگاه کنیم، خواهیم یافت که این مسئله کاملاً با وقوع انقلاب اسلامی در ارتباط بود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای رژیم بعث هم فرصتی تلقی می‌شد و هم تهدیدی. تهدید از این حیث که شیعه بودن اکثر مردم عراق و تمایل آن‌ها به انقلاب اسلامی برای آن رژیم خطرناک بود. و فرصت از این جهت که ارگان‌های رسمی و نظامی ایران پس از انقلاب دچار تزلزل شدند و این بهترین فرصت برای صدام بود تا خوزستان را به بهانه قومیت عربی به تسخیر خود درآورد و علاوه بر به دست آوردن منابع نفتی بیشتر و ساحل گسترده‌تر، رهبری خود را برای جهان عرب تثبیت کند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۶).

حال این پرسش مطرح است که وقوع این جنگ چه آثاری در بین این دو ملت ایجاد کرده است؟ باید گفت که با وجود همه اشتراکاتی که به آن اشاره شد، مدت طولانی این جنگ و پیامدهای بلندمدت آن، به‌خصوص بر خانواده کشته‌شدگان جنگ و وابستگان آنان، بی‌تأثیر نبوده است. البته این مسئله در میان شیعیان عراق تأثیر واضحی ندارد، بدین معنا که بسیاری از خانواده‌های شیعه عراق، کشته شدن فرزندان‌شان در جنگ را تقصیر ایران نمی‌دانند، زیرا علاوه بر تحمیلی بودن آن جنگ بر سربازان عراقی که اکثراً شیعه بودند، ناحق بودن آن جنگ نیز برای آنان تا حدودی روشن است. اما در میان برخی از اهل سنت عراق که اکثراً در رده افسران بودند،

تأثیر بلندمدت جنگ روشن تر دیده می‌شود. هنوز برای بسیاری از آن‌ها - برحسب مصاحبه اتفاقی که با برخی از آن‌ها داشتیم - مفهوم جنگ صدام علیه ایران به عنوان جنگ برای خاک وطن تلقی می‌شود و مسئله حق یا ناحق بودن چندان مطرح نیست. به هر حال، مخالفان وحدت دو ملت تلاش دارند به واسطه زنده کردن اختلافات گذشته از اتحاد روزافزون بین دو ملت جلوگیری کنند که جنگ هشت‌ساله یکی از این نمونه‌ها است. لازم به ذکر است که مسئله اربعین حسینی (ع) تا حدود زیادی توانست بسیاری از این کدورت‌های ناشی از جنگ را محو کند و یکی از دلایل هجمه‌های رسانه‌ای برای مخدوش کردن زیارت اربعین، آثار مثبت آن در رفع این کدورت‌ها است (فارس، ۱۴۰۲).

نتیجه‌گیری

پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا، روابط ایران و عراق وارد مرحله جدیدی شد که به تقویت نفوذ ایران در عراق انجامید. این مسئله به ضرر آمریکا و متحدان او تمام شد و آنان را وادار به اتخاذ سیاستی جدید برای مقابله با این نفوذ کرد. این سیاست جدید عبارت بود از ایجاد هراس در بین افکار عمومی و دولت عراق نسبت به ایران. مسئله ایران‌هراسی در عراق معاصر دارای زمینه‌های متعددی است که این زمینه‌ها توسط طراحان پروژه ایران‌هراسی به خوبی مورد بهره‌برداری قرار گرفت تا در قالبی جدید به پیش بردن اهداف آمریکا و متحدانش کمک کند.

طی بررسی صورت گرفته، ثابت شد که زمینه‌های اختلاف‌برانگیز موجود در عراق توسط آمریکا و متحدانش جهت ایجاد هراس نسبت به ایران در میان ملت و دولت عراق مورد استفاده قرار گرفته است. این بهره‌گیری در راستای تحقق منافع ایالات متحده آمریکا و متحدانش بود و عملکرد آنان در تصویرسازی یک تهدید از ایران به واسطه این زمینه‌ها، عملکردی نسبتاً موفق بوده است. عملکرد سیاستمداران مرتبط با ایران در عراق، در نوع نگاه مردم عراق به عملکرد جمهوری اسلامی در عراق اثرگذار است. با توجه به ناکارآمدی سیاستمداران مذکور، این مسئله به بزرگ‌ترین دست‌آویز برای تبلیغ علیه ایران و گفتمان اسلام سیاسی تبدیل شده است، با وجود این که این سیاستمداران معتقد به اسلام سیاسی نیستند. با این حال، برخی مسائل ظاهری بهانه‌های کافی برای مخالفان ایران در عراق فراهم کرد تا این نگاه را تثبیت کنند. یکی دیگر از زمینه‌هایی که به آن پرداخته شد، ناسیونالیسم عربی بود که به طور غیرمستقیم

به‌عنوان شاخصی برای وطن‌دوستی تبدیل شد و بار معنایی دیگری نیز به آن اضافه گردید که دشمنی با ایران لازمه آن است. همچنین فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بستری است که آمریکا به‌واسطه آن افراد مخالف با ایران و محور مقاومت را تربیت می‌کند و از طریق این مؤسسات زمینه‌هایی برای مقابله با ایران ایجاد می‌شود. از این افراد به‌عنوان کنشگران اجتماعی و فعالان فضای مجازی در خدمت سیاست مقابله با ایران و اسلام بهره برده می‌شود.

یکی از مسائلی که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته بود، مشکلات زائران و مسافران عراقی در ایران است. این مسئله با وجود سطحی بودن، اما به خاطر گستردگی حجم آن، توسط کسانی که به دنبال تفرقه‌افکنی بین دو ملت هستند، به‌عنوان دست‌آویزی برای تبلیغات ضد ایرانی تبدیل شده است. آخرین زمینه‌ای که به آن اشاره شد، پیامدهای جنگ تحمیلی و آثار بلندمدت آن در روابط دو ملت است. یعنی با وجود این‌که چند دهه از اتمام جنگ می‌گذرد، اما هنوز برخی از رسانه‌های مخالف ایران به‌طور منفی به این مسئله اشاره می‌کنند تا سهمی در اختلاف‌افکنی ایجاد کرده باشند و نسل‌های امروز نیز از این مسئله تأثیر بپذیرند.

در پایان، باید تأکید کرد که شناخت دقیق این زمینه‌ها و آگاهی از شیوه‌های بهره‌برداری دشمنان از آن‌ها، می‌تواند به سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران روابط ایران و عراق کمک کند تا با برنامه‌ریزی مناسب، از تأثیرگذاری این پروژه بر افکار عمومی بکاهند و زمینه‌های همگرایی و دوستی دو ملت را تقویت نمایند.

فهرست منابع:

۱. آشناس، عماد (۸ آبان ۲۰۲۲). «آیا آمریکا به دنبال بازگرداندن حزب بعث در عراق است؟». [sputnik iran](https://sputnik-iran.com/20220808/ایا-آمریکا-به-دنبال-بازگرداندن-حزب-بعث-در-عراق-است-۱۱۹۷۴۵۱۵.html). قابل دسترسی در: <https://spnfa.ir/20220808/ایا-آمریکا-به-دنبال-بازگرداندن-حزب-بعث-در-عراق-است-۱۱۹۷۴۵۱۵.html>.
۲. احمد محمد، ایمن (۲۰۲۲). «سلطه‌ی الأحزاب و أثرها على التحول الديمقراطي في العراق بعد العام ۲۰۰۳». مجله‌ی المستنصریة للدراسات العربیة والدولیة، شماره ۷۸، ص ۸۷.
۳. افشون، تورج و قلی‌زاده، امیر (۵ فروردین ۱۴۰۰). «چیستی و دلایل اعتراضات شیعیان عراق در دولت‌های اخیر». مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۲۲، شماره ۸۵، ص ۱۶۳-۱۹۸.
۴. بابایی، گلعلی (۱۳۸۶). نبردهای جنوب اهواز. تهران: انتشارات لوح محفوظ - پژوهشکده دفاع مقدس.
۵. بغداد: ادعای هشدار سفیر عراق در تهران به مسافران عراقی درباره «افزایش قتل و دزدی» از عراقی‌ها کذب است (۲۴ مرداد ۱۳۹۷). انتخاب. قابل دسترسی در: <https://www.entekhab.ir/fa/news/424191>.
۶. «بیشترین مشکلات عراقی‌ها در سفر به ایران» (۸ آذر ۱۴۰۰). خبرگزاری دانش‌جویمان ایران (ایسنا). قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/1400090806175>.
۷. «پنجم فوریه ۲۰۰۳؛ سالروز دروغ قرن / آمریکا چگونه عراق را ویران کرد؟» (۱۶ بهمن ۱۴۰۱). خبرگزاری مهر. قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/5700892>.
۸. «تخریب زودهنگام اربعین حسینی توسط رسانه ضدانقلاب» (۱۳ مرداد ۱۴۰۲). خبرگزاری فارس. قابل دسترسی در: <https://farsnews.ir/news/14020513000016>.
۹. تلاشان، حسن (۱۳۸۹). «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق». شیعه‌شناسی، سال

- ۸، شماره ۳۱، ص ۱۱۲.
۱۰. «جنایت با چراغ سبز غرب» (۲ خرداد ۱۴۰۱). قدس آنلاین. قابل دسترسی در: <https://www.qudsonline.ir/news/799989>
۱۱. چامسکی، نوام (۲ آبان ۱۳۸۵). «آیا دولتی مستقل در عراق تشکیل خواهد شد؟». سیاحت غرب، سال ۴، شماره ۴۰، ص ۸۹-۹۵.
۱۲. حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۷). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. «الحکم غیایا علی نائب الرئیس العراقی طارق الهاشمی بالاعدام» (۹ سپتامبر ۲۰۱۲). arabic .rt قابل دسترسی در: <https://arabic.rt.com/news/594183>
۱۴. «الدستور العراقی» (بی‌تا). البرلمان العراقی. قابل دسترسی در: <https://iq.parliament.iq/الدستور-العراقی/>.
۱۵. «دلخوری مسافران عراقی از برخی تاکسیداران مرز مهران» (۲۸ خرداد ۱۳۹۸). خیرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83356432>
۱۶. زارعی، سعدالله (۱۵ دی ۱۳۹۹). «ماجرای پیش‌بینی حاج قاسم درباره شکل‌گیری داعش». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=47018>
۱۷. «شایعه تعرض به زائران ایرانی در جنوب عراق» (۱۵ مرداد ۱۳۹۸). العالم فارسی. قابل دسترسی در: <https://fa.alalam.ir/news/4478746>
۱۸. صادقی، محمدمسعود (۴ فروردین ۱۳۹۸). «اشکال ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در جهان امروز و راهکارهای فرهنگی مقابله با آن». مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل، سال ۵، شماره ۱۰، ص ۳۵-۶۶.
۱۹. عباس، کشاورز شکری؛ پیرانی، شهره؛ جعفری هرندی، امیررضا (۱۴۰۰). «ساختارسازی آمریکا در عراق و پیامدهای آن بر امنیت ملی این کشور». آفاق امنیت، سال ۱۴، شماره ۵۲، ص ۱۲۵.

۲۰. «العلاقات العراقية السعودية.. تقارب حذر» (۴ ژوئن ۲۰۱۵). الجزیره نت. قابل دسترسی در: <https://www.aljazeera.net/news/2015/6/4/> العلاقات-العراقية-السعودية-تقارب-حذر.
۲۱. غفاری هشتجین، زاهد و حیدرخانی، هاییل (۱۳۹۴). شیعیان عراق پس از سقوط صدام. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. فتوحی، محمود (۱ دی ۱۳۸۶). «تاریخ ادبی و بحران در استنباط معنای معاصر». نامه فرهنگستان، سال ۹، شماره ۳۶، ص ۱۴-۱۵.
۲۳. «فؤاد معصوم: المحاصصة الطائفية وراء الفشل السياسي» (۲۰۱۶). الجزیره نت. قابل دسترسی در: <https://www.aljazeera.net/news/2016/9/6/> فؤاد-معصوم-المحاصصة-الطائفية-وراء.
۲۴. - قزوینی حائری، سید یاسر (۴ فروردین ۱۳۹۰). «نجف و انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱ (بررسی زمینه‌ها و پیامدها)». فرهنگ زیارت، سال ۶، شماره ۳، ص ۵۰-۶۱.
۲۵. «کیف یشن البرنامج الثقافی للسفارة الامیرکیة هجوما علی العراق وما هی خسائره؟» (۲ دسامبر ۲۰۱۹). tabnak. قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/ar/news/43167>
۲۶. «مرکز مالکوم کیر کارنیگی للشرق الاوسط» (۱۴ نوامبر ۲۰۱۹). قابل دسترسی در: <https://carnegie-mec.org/diwan/80350>
۲۷. «مصاحبه با دکتر سعدالله زارعی» (۱۵ دی ۱۳۹۹). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=47018>
۲۸. - «مقابله مع بول بریمر» (۲۰۱۹). independentarabia. قابل دسترسی در: <https://www.independentarabia.com/node/62596>
۲۹. منتی، ایوب و هادیان، ناصر (۱ مهر ۱۳۹۸). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید (۲۰۱۸-۲۰۰۳)». جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، سال ۷، شماره ۱۵، ص ۱۳۹-۱۶۴.
۳۰. نادری دوست، علی (۱۳۸۶). شیعیان عراق. قم: آشیانه مهر.
۳۱. «نگاهی به سازمان‌های مردم‌نهاد در عراق» (۱۲ آبان ۱۴۰۰). پایگاه تخصصی

- تحلیل جامعه فرهنگی و ملل. قابل دسترسی در:
<https://farhangemelal.icro.ir/news/9502>
۳۲. «الوكالة الفرنسية ۲۴» (۹ سپتامبر ۲۰۱۲). france24. قابل دسترسی در:
<https://www.france24.com/ar/20120909> -عراق- کرکوک-
 مقتل-متطوعین-منشآت-نفط-تفجير-سيارة-مفخخة.
۳۳. «وزير الدفاع العراقي: ايران وقفت الى جانب العراق في الحرب ضد داعش» (۲۲ نوامبر ۲۰۲۰). وكالة الجمهورية الاسلامية للانباء (ارنا). قابل دسترسی در:
<https://ar.irna.ir/news/84121788>
۳۴. «عراقيون في إيران تلاحقهم عصابات القتل والسرقة» (۲۰۱۹). al7. قابل دسترسی در:
<https://7al.net/2019/05/28> عراقيون-في-إيران-
 تلاحقهم-عصابات-القتل.
۳۵. - «آيلپ چيست؟» (۱۹ آبان ۱۳۹۸). تحولات جهان اسلام. قابل دسترسی در:
<https://iswnews.com/23368> /آيلپ-چيست؟/
۳۶. «السعودية أرادت اغتالي!.. ومواضيع أخرى كشفها السيد نصر الله للميادين» (۲۰۲۰). الميادين. قابل دسترسی در:
<https://www.almayadeen.net/news/politics/1444814>
۳۷. «سى ان ان العربية» (۲۰۱۷). cnn arabic. قابل دسترسی در:
<https://arabic.cnn.com/middle-east/2017/05/29/iraq-fm-fear-not-iran>
۳۸. <https://www.yjc.ir/fa/news/5639608> /بی تا).
۳۹. ABOUT (2024). Iylep.Org. Retrieved from
<https://www.iylep.org/about>
۴۰. Lecture on IYLEP Program (December 05, 2019). University of Baghdad. Retrieved from
<https://en.uobaghdad.edu.iq/?p=21208>